

تعاون و کشاورزی، سال نهم، شماره ۳۳، بهار ۱۳۹۹

ارزیابی نقش تعاونی‌های پرورش‌دهندگان گوساله پرواری استان همدان در ارتقای توانمندی (اقتصادی و فنی) دامداران عضو تعاونی

سمیرا جیحونی^۱، فاطمه قربانی پیرعلیده^۲، محمد کریم معتمد^{۳*}

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۷

چکیده

استان همدان با امکانات فراوان، شرایط مناسبی برای پرورش دام گوشتی در کشور دارد و نقش تعاونی‌ها در موفقیت این صنعت در این استان می‌تواند در سطح ملی اثربخش باشد. بر همین اساس، تحقیق حاضر با هدف ارزیابی نقش تعاونی‌های پرورش‌دهندگان گوساله پرواری استان همدان در ارتقای توانمندی اقتصادی و فنی دامداران عضو تعاونی انجام گرفت. این تحقیق از نظر رویکرد کلی، کمی و از نظر شیوه گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، توصیفی و علی مقایسه‌ای است. جامعه مورد مطالعه دامداران عضو و غیرعضو تعاونی‌های پرورش‌دهندگان گوساله پرواری استان همدان (۹۴۲۴ نفر) بودند که با استفاده از فرمول کوکران و با روش طبقه‌بندی تصادفی، از هر دو گروه ۱۵۰ نفر، به عنوان نمونه، بررسی شدند. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسش‌نامه محقق‌ساخته بود که روایی آن با نظر ۱۵ نفر از متخصصان و پایایی آن با کمک ضریب آلفای کرونباخ (مقدار ۰/۸۰) تأیید شد. نتایج نشان داد که سن، سطح تحصیلات و ظرفیت دامداری با عضویت در شرکت‌های تعاونی دامداران رابطه معنی‌داری دارند. همچنین علی‌رغم سابقه عضویت بالا، اکثر اعضا از شرکت تعاونی خود ناراضی هستند، در حالی که نتایج نشان داد عضویت در شرکت‌های تعاونی موجب افزایش تولید گوشت قرمز و افزایش دانش فنی اعضا شده است.

واژه‌های کلیدی: تعاونی پرورش‌دهندگان گوساله پرواری، بهبود شرایط اقتصادی، توانمندسازی، بهبود دانش فنی

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشکده علوم کشاورزی، دانشگاه گیلان

۲. استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی، ساری

۳. دانشیار گروه اقتصاد کشاورزی، دانشکده علوم کشاورزی، دانشگاه گیلان

motamed@guilan.ac.ir

* نویسنده مسئول

مقدمه

عقلایی‌ترین آینده نگری بشر در جهت تسهیل شرایط زندگی ایجاب می‌کند که ویژگی اصالتاً فطری "با هم زیستن" و "با هم کار کردن" منطبق با شرایط زمان و مکان در قالب شکل تحقق یابد. بر همین اساس، بنیان تعاونی‌ها بر تفاهم، اشتراک رأی و هم‌اندیشی گروه استوار است (ترابی و همکاران، ۱۳۸۹). تعاونی‌ها می‌توانند از راه آموزش مستمر به اعضا کمک کنند تا کیفیت کالا و خدمات را بهبود بخشند، فناوری نوین را به خدمت گیرند و شناخت بهتری در مورد روش‌های جدید تجاری و مباحث اقتصادی به دست آورند و با حفظ و ایجاد مشاغل محلی تأثیر چشم‌گیری بر جوامع خود بگذارند (صفوی مقدم و بهروان، ۱۳۹۱). از سویی، تعاونی‌ها به عنوان واسط میان دولت و مردم نقش ایفا می‌کنند و از طریق تجمیع سرمایه‌های کوچک مردم و سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مختلف، از جمله در تولید محصولات اساسی و استراتژیک، تولید محصولات پروتئینی، گسترش صنایع تکمیلی و تبدیلی بخش کشاورزی، ایجاد تعامل فعال با بخش‌های دولتی و خصوصی، جلب مشارکت خارجی و فعال کردن گروه‌های تولید مردمی، سهم مهمی در توسعه جامعه روستایی دارند.

درکل، یک شرکت تعاونی انجمنی خودمختار متشکل از افرادی است که به طور داوطلبانه به منظور تأمین نیازها و اهداف مشترک اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود، با نظارت دموکراتیک و مالکیت اشتراکی شکل می‌گیرد (Ortmann & King, 2007). به اعتقاد محققان، تعاونی‌های تولید کشاورزی به کشاورزان این فرصت را می‌دهند که واحد کوچک تجاری خود را بهبود بخشند (Kuntoro, 2006).

در حال حاضر، تعاونی‌ها در جهان در حوزه‌های مختلف اقتصادی اعم از تولیدی و خدماتی فعالیت می‌کنند و سهم قابل توجهی در اقتصاد ملی کشورها دارند. تعاونی‌ها از طریق انباشت سرمایه‌های پراکنده مردم، اقدام به فعالیت‌های اقتصادی می‌کنند و با افزایش سهم اقشار کم‌درآمد در تولید جامعه، توزیع مناسب درآمد را ممکن می‌سازند و نابرابری اجتماعی را کاهش می‌دهند. اعضای تعاونی‌ها از طریق حضور در فعالیت‌ها و عرصه‌های اقتصادی، با مناسبات دنیای

کسب و کار، منابع مالی و نحوه تعامل با سایر فعالان اقتصادی آشنا می‌شوند و تجربیات زیادی می‌آموزند که موجبات رشد و ارتقای قابلیت‌های فردی آنها را فراهم می‌کند. رویکرد تعاون در واقع فرصت‌های جدیدی را پیش روی افراد قرار می‌دهد و از طریق برابری فرصت‌ها، مبارزه‌ای ریشه‌ای را با فقر و نابرابری پیش می‌گیرد (کرمی و رضایی مقدم، ۱۳۸۴)؛ بنابراین می‌توان شرکت‌های تعاونی را در توانمندسازی کشاورزان بسیار مؤثر دانست

از دیرباز، پرورش دام در کنار سایر فعالیت‌های کشاورزی، یکی از منابع مهم کسب درآمد و تأمین معیشت جمعیت روستایی ایران بوده است. اما علی‌رغم تلاش‌های زیاد در تأسیس سازمان‌های نوین و انقلاب در نوآوری‌های دامپروری، میزان بهره‌وری و تولید محصولات واقعی در کشورهای درحال توسعه از جمله ایران در مقایسه با کشورهای توسعه یافته، هنوز در مراحل پایین‌تری قرار دارد (رضوان‌فر، ۱۳۸۰). استان همدان با وجود ۴۲۰ هزار رأس گاو نه تنها قادر است با توجه به امکانات موجود، نقش مؤثر در کاهش واردات گوشت قرمز داشته باشد، بلکه می‌تواند یکی از مراکز صادرات این محصول به شمار آید. این استان با وجود مراتع علوفه، علاقمندی‌ها، و ویژگی‌های محیطی و اقلیمی، دارای پتانسیل‌های بسیار مناسبی در این خصوص است (سازمان جهاد کشاورزی استان همدان، ۱۳۸۸).

این پرسش و بررسی آن همواره در اذهان برنامه‌ریزان توسعه بوده است که تعاونی‌ها تا چه حد با افزایش توان اقتصادی و ارتقای دانش فنی کشاورزان، در توانمند کردن این قشر زحمت‌کش مؤثرند؟ تحقیق حاضر نیز با هدف کلی ارزیابی نقش تعاونی‌های پرورش‌دهندگان گوساله پروری استان همدان در ارتقای توانمندی اقتصادی و فنی دامداران و اهداف اختصاصی زیر انجام شد:

بررسی ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای پرورش‌دهندگان گوساله پروری استان همدان؛ بررسی میزان رضایت دامداران از عضویت در تعاونی‌های دامداری؛ بررسی ارتباط بین ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای دامداران با عضویت یا عدم عضویت دامداران در شرکت‌های تعاونی.

پیشینه تحقیق

وایت (White, 2006) در مطالعه خود در خصوص روش‌های توانمندسازی کشاورزان، به این نتیجه رسید که عضویت در تعاونی‌های تولیدی و میزان ارتباط با مددکاران ترویجی از عوامل مؤثر در توانمندسازی کشاورزان محسوب می‌شود. همچنین وی توانمندسازی را پیش شرط ضروری برای دستیابی به توسعه کشاورزی پایدار می‌داند.

استوری (Storey, 2007) معتقد است که توانمندسازی علاوه بر اینکه انگیزش و رضایت شغلی برای کشاورزان به ارمغان می‌آورد، به ارتقای دانش آنها نیز منجر می‌شود. کشاورزان در سایه دانش، به خوبی از عهده کار و وظایف خود برمی‌آیند و به دنبال آن اعتماد به نفس بیشتری کسب می‌کنند.

فایربرن و همکاران (Fairbairn et al., 2003) بیان داشته‌اند رویکرد تعاونی برای اقشار آسیب‌پذیر و کم‌درآمد روستایی، اشتغال و معیشت پایدار ایجاد می‌کند و تعاونی راهکاری بسیار مناسب برای توانمندسازی روستاییان است.

بنین (Benin, 2010) معتقد است که تعاونی‌های تولید در بخش کشاورزی، در ایجاد اشتغال، بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی، گسترش سرمایه‌گذاری و جلوگیری از مهاجرت نقش مثبتی داشته‌اند.

هولپین (Holpin, 2010) در مطالعه‌ای روی تعاونی‌های کشاورزی اندونزی به این نتیجه دست یافت که عضویت در تعاونی‌ها موجب توانمندسازی اعضا در زمینه اجتماعی و اقتصادی شده است.

یا- بیتیتی (Ya-Bititi, 2013) معتقد است که تعاونی تولید قهوه در رواندا منجر به ایجاد اشتغال، تأمین اعتبار و پرداخت وام، افزایش درآمد کشاورزان، تضمین بازاریابی و جذابیت قیمت‌ها شده است؛ لذا بهبود رفاه اقتصادی- اجتماعی و کاهش فقر تولیدکنندگان قهوه را به دنبال داشته است.

صدیقی و درویشی‌نیا (۱۳۸۱) معتقدند که عضویت در تعاونی‌های تولید باعث افزایش عملکرد، کاهش هزینه‌های جاری و به خصوص هزینه‌های کارگری و نگهداری و اداره مزارع و لذا سبب بهبود وضعیت اقتصادی کشاورزان برنجکار می‌شود.

عمانی و چیدری (۱۳۸۲) در مقایسه ویژگی‌های گندم‌کاران عضو و غیر عضو تعاونی‌های تولید روستایی در استان خوزستان، نتیجه گرفتند که بین ویژگی‌های سطح دانش فنی، سطح مکانیزاسیون، میزان عملکرد گندم، میزان مشارکت اجتماعی، سطح منزلت اجتماعی کشاورزان عضو تعاونی تولید روستایی و کشاورزان غیر عضو اختلاف معنی‌داری وجود دارد.

طاهرخانی و حیدری ساریان (۱۳۸۳) معتقدند که عضویت در تعاونی‌های تولیدی به ایجاد اشتغال و افزایش درآمد روستاییان و در نهایت، به توسعه مناطق روستایی شهرستان مشکین‌شهر منجر شده است.

معمد (۱۳۸۶) در بررسی تأثیر تشکیل شرکت‌های تعاونی تولید روستایی در وضعیت اقتصادی اجتماعی کشاورزان گیلان، نتیجه گرفت که افراد عضو شرکت تعاونی تولید بیشتر، دانش فنی بیشتر، و هزینه تولید کمتری نسبت به افراد غیر عضو شرکت تعاونی دارند. به اعتقاد نصیری (۱۳۸۹)، روستاییان با انجام فعالیت‌های حرفه‌ای، بر اساس همکاری و تعاون، می‌توانند کارایی و وضعیت اقتصادی خود را بهبود بخشند.

فال سلیمان و همکاران (۱۳۹۲) در بررسی نقش شرکت‌های تعاونی روستایی زنان در استان خراسان جنوبی به این نتیجه رسیدند که عضویت در این شرکت‌ها در وضعیت اقتصادی و اجتماعی اعضا تأثیر مثبتی نداشته است؛ به عبارت دیگر، بر اساس نتایج ارائه شده، حداقل ۷۰ درصد از اعضای شرکت‌های تعاونی مذکور بعد از عضویت در شرکت‌های تعاونی، از نظر وضعیت اقتصادی و اجتماعی، دچار تغییر شرایط نشده‌اند.

بوزرجمهری و هادی‌زاده بزاز (۱۳۹۲) میزان تأثیر اقتصادی تعاونی‌ها را در کل، متوسط دانستند. همچنین تأثیر تعاونی‌ها در تنوع‌بخشی به منابع درآمد، افزایش درآمد، افزایش انگیزه در

فعالیت کشاورزی، افزایش عملکرد محصولات، دسترسی به انبار و سردخانه و دسترسی به وسایل حمل و نقل را زیاد ولی در مواردی همچون افزایش پس انداز، بیمه محصولات و دسترسی به منابع مالی و اعتباری بسیار ضعیف دانستند.

خسروی پور و همکاران (۱۳۹۳) معتقدند که شرکت‌های تعاونی تولید روستایی توانسته‌اند از طریق متشکل نمودن نیروهای انسانی و ایجاد روحیه تعاون و همدلی، از طریق یکپارچه‌سازی اراضی و متمرکز نمودن سرمایه‌های اندک روستاییان، نسبت به تأمین ماشین‌آلات و نهاده‌های کشاورزی و استفاده مطلوب از امکانات موجود اقدام کنند و در مقایسه با بهره‌برداری‌های مجاور، به موفقیت در افزایش تولید محصول تا دو برابر و حتی بیشتر نائل آیند و هزینه‌های تولید را به نصف کاهش دهند.

طالبی و همکاران (۱۳۹۵) در بررسی آثار اقتصادی شرکت‌های تعاونی تولید آراز ۱ و ۲ در منطقه آزاد ماکو به این نتیجه رسیدند که عضویت در تعاونی‌ها باعث افزایش ۳۹ درصدی هزینه‌های تولید، ۶۰ درصدی عملکرد، ۹۰ درصدی درآمد، ۹۲ درصدی سود و ۶۴ درصدی نسبت سود به هزینه شده و نتیجه آثار فوق نیز رضایتمندی ۹۵ درصد اعضا از تعاونی تولید بوده است. صابری و همکاران (۱۳۹۷) در بررسی آثار تعاونی‌های آب‌بران بر وضعیت اقتصادی-اجتماعی کشاورزان استان خراسان شمالی به این نتیجه رسیدند که این تعاونی‌ها در بهبود وضعیت اقتصادی-اجتماعی در حد متوسط مؤثر بوده‌اند.

روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از نظر رویکرد کلی، کمی و از نظر شیوه گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، توصیفی و علی مقایسه‌ای بوده است. جامعه مورد مطالعه را دامداران عضو و غیر عضو تعاونی‌های پرورش‌دهندگان گوساله پرواری استان همدان (۹۴۲۴ نفر) تشکیل دادند که تعدادشان در دو گروه تقریباً برابر بوده است. مهم‌ترین ابزار گردآوری اطلاعات، پرسش‌نامه محقق‌ساخته بود. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۰۷ نفر تعیین شد که ۳۰۰ نفر از افراد نمونه برای تکمیل

پرسش‌نامه‌ها اعلام آمادگی کردند. بر این اساس و با توجه به برابر بودن تقریبی هر دو گروه دامدار و با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی، از هرکدام از دو گروه عضو و غیرعضو در شرکت‌های تعاونی پرورش‌دهندگان گوساله پرواری، ۱۵۰ نفر به عنوان نمونه آماری مورد مطالعه قرار گرفتند. پرسش‌نامه در دو بخش اساسی تدوین شد. در بخش اول پرسش‌نامه، ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای و رضایت دامداران و در بخش دوم میزان تولید و هزینه‌های تولید گوشت قرمز (دو شاخص مبین توانمندی اقتصادی) و دانش فنی دامدار (شاخص مبین توانمندی فنی) در قالب ۱۸ سؤال بررسی شدند. روایی صوری و محتوایی پرسش‌نامه توسط ۱۵ نفر از متخصصان (اساتید گروه اقتصاد کشاورزی دانشگاه گیلان و برخی از کارشناسان سازمان جهاد کشاورزی و اداره تعاون استان همدان) تأیید شد. برای سنجش پایایی پرسش‌نامه و رفع نواقص احتمالی، ابتدا یک مرحله پیش‌آزمون با تهیه و تکمیل ۳۰ پرسش‌نامه در روستاهای منتخب توسط افرادی که به صورت تصادفی انتخاب شده بودند، با تغییرات و اصلاحات لازم، انجام گرفت، سپس پایایی پرسش‌نامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ $0/80$ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی مناسب این ابزار بود.

تجزیه و تحلیل داده‌ها توسط نرم‌افزار SPSS25 در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی انجام گرفت. در بخش آمار توصیفی، از توزیع فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار استفاده شد و در بخش آمار استنباطی، به منظور بررسی ارتباط بین ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای دامداران با عضویت آنها در شرکت‌های تعاونی، از ضریب همبستگی وی کرامرز و برای ارزیابی نقش تعاونی‌های پرورش‌دهندگان گوساله پرواری در ارتقای توانمندی اقتصادی و فنی دامداران، از آزمون t استفاده گردید.

نتایج و بحث

یافته‌های توصیفی

بررسی ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای پرورش‌دهندگان گوساله پرواری استان همدان نشان داد که میانگین سنی دامداران عضو شرکت تعاونی ۴۸ سال و غیر عضو ۶۲ سال است؛ بنابراین، اعضا میانگین سنی کمتری داشته و جوان‌تر بوده‌اند. همچنین حداقل سن در هر دو گروه عضو و غیر عضو ۲۰ سال و حداکثر سن ۸۰ سال بود. سایر نتایج بررسی ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای دامداران در قالب جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای پرورش‌دهندگان گوساله پرواری استان همدان (n= ۳۰۰)

غیر عضو تعاونی		عضو تعاونی		گروه‌ها	ویژگی‌های فردی - حرفه‌ای
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۸	۱۲	۱۱/۳	۱۷	۲۰-۳۵	سن (سال)
۱۹/۳	۲۹	۴۸/۷	۷۳	۳۶-۵۰	
۲۴/۷	۳۷	۲۵/۳	۳۸	۵۱-۶۵	
۴۸	۷۲	۱۴/۷	۲۲	۶۶-۸۰	
۴۸/۷	۷۳	۱۶/۷	۲۵	بی سواد	سطح تحصیلات
۴۲	۶۳	۵۰/۷	۷۶	دبستان-راهنمایی	
۹/۳	۱۴	۲۴/۷	۳۷	دبیرستان تا دیپلم	
۰	۰	۸	۱۲	تحصیلات دانشگاهی	
۱۳/۳	۲۰	۱۷/۳	۲۶	۲-۱۴	سابقه پرورش گاو (سال)
۹/۳	۱۴	۱۱/۳	۱۷	۱۵-۲۶	
۲۰	۳۰	۱۵/۳	۲۳	۲۷-۳۸	
۵۷/۳	۸۶	۵۶	۸۴	۳۹-۵۰	
۱۴	۲۱	۱۹/۳	۲۹	۲-۱۴	ظرفیت دامداری (رأس)
۲۷/۳	۴۱	۳۲	۴۸	۱۵-۲۶	
۵۱/۳	۷۷	۱۵/۳	۲۳	۲۷-۳۸	
۷/۳	۱۱	۳۳/۳	۵۰	۳۹-۵۰	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

بر اساس نتایج به دست آمده، سن اکثر افراد عضو تعاونی زیر ۵۰ سال بوده است در حالی که حدود نیمی از افراد غیر عضو در رده سنی ۶۶-۸۰ سال قرار گرفته‌اند. اکثر اعضا سطح سوادی در حد دبستان- راهنمایی و بالاتر داشته و در حالی که حدود نیمی از اعضا بی‌سواد بوده‌اند (۴۸/۷ درصد). اکثر افراد دو گروه سابقه بالای ۲۷ سال در پرورش گاو داشته‌اند و بیشترین فراوانی در این زمینه، با وضعیتی تقریباً مشابه در دو گروه، مربوط به سطح ۳۹ تا ۵۰ سال بوده است. از نظر ظرفیت دامداری، حدود ۶۶/۶ درصد از افراد عضو تعاونی کمتر از ۳۹ و ۳۳/۳ درصد ۳۹ تا ۵۰ رأس دام داشته درحالی‌که ۹۲/۷ درصد از افراد غیر عضو کمتر از ۳۹ رأس و مابقی (۷/۳ درصد) ۳۹ تا ۵۰ رأس دام داشته‌اند.

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که بیش از نیمی از دامداران ۲۶-۱۵ سال سابقه عضویت در شرکت‌های تعاونی داشته و تقریباً بیشتر اعضا از شرکت تعاونی‌های خود ناراضی بوده‌اند.

جدول ۲. مدت زمان عضویت و میزان رضایت دامداران عضو شرکت‌های تعاونی پرورش‌دهندگان

گوساله پروری (n= ۱۵۰)

متغیر	گویه‌ها	فراوانی	درصد	متغیر	گویه‌ها	فراوانی	درصد
	۲-۸	۳۷	۲۴/۶۶		کاملاً راضی	۲۰	۱۳/۳۳
	۹-۱۴	۳۲	۲۱/۳۳		تا حدودی	۴۲	۲۸
مدت زمان عضویت				میزان رضایت	راضی		
	۱۵-۲۰	۴۹	۳۲/۶۶	دامدار	ناراضی	۸۸	۵۸/۶۶
	۲۱-۲۶	۳۲	۲۱/۳۳				

مأخذ: یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحلیلی

در این بخش، ابتدا ارتباط بین ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای دامداران با عضویت یا عدم عضویت، سپس نقش تعاونی‌های پرورش‌دهندگان گوساله پرواری استان همدان در ارتقای توانمندی اقتصادی و فنی دامداران موردنظر بررسی شده است.

۱. ارتباط بین ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای دامداران با عضویت یا عدم عضویت

از آنجاکه ویژگی‌های فردی - حرفه‌ای (متغیرهای مستقل) در سطح مقیاس ترتیبی و عضویت و یا عدم عضویت در تعاونی (متغیر وابسته) در سطح مقیاس اسمی هستند، بنابراین، برای بررسی ارتباط آنها، از ضریب همبستگی وی کرامرز استفاده شد (جدول ۳).

جدول ۳. ارتباط بین ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای دامداران با عضویت / عدم عضویت در شرکت‌های

تعاونی (n= ۳۰۰)

ویژگی‌های فردی - حرفه‌ای	ضریب همبستگی وی کرامرز	سطح معنی‌داری
سن	-۰/۳۹۳**	۰/۰۰۰
سطح تحصیلات	۰/۳۹۶**	۰/۰۰۰
سابقه پرورش گاو	۰/۰۸۲	۰/۵۶۸
ظرفیت دامداری	۰/۴۳۲**	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق **: معنی‌داری در سطح احتمال یک درصد

با توجه به نتایج جدول ۳، به غیر از سابقه پرورش گاو، بقیه متغیرها (سن، سطح تحصیلات و ظرفیت دامداری) با عضویت یا عدم عضویت در شرکت‌های تعاونی پرورش‌دهندگان گوساله پرواری رابطه معنی‌داری از لحاظ آماری در سطح احتمال یک درصد دارند. ذکر این نکته ضروری است که رابطه سن با عضویت غیرمستقیم است بدین معنایکه با افزایش سن، عضویت در شرکت‌های تعاونی کاهش می‌یابد؛ اما با افزایش سطح تحصیلات و افزایش ظرفیت دامداری، عضویت در شرکت‌های تعاونی پرورش‌دهندگان گوساله پرواری افزایش پیدا می‌کند.

۲. ارزیابی نقش تعاونی‌های پرورش‌دهندگان گوساله پرواری استان همدان در ارتقای توانمندی اقتصادی و فنی دامداران

به منظور ارزیابی نقش تعاونی‌های پرورش‌دهندگان گوساله پرواری استان همدان در ارتقای توانمندی اقتصادی و فنی دامداران، ۳ شاخص میزان تولید گوشت قرمز، میزان هزینه‌های تولید گوشت قرمز و میزان دانش فنی در نظر گرفته شدند که دو شاخص اول بر توانمندی اقتصادی و شاخص سوم (دانش فنی) بر توانمندی فنی دامداران تأکید دارند (جدول ۴).

جدول ۴. نقش تعاونی‌های پرورش‌دهندگان گوساله پرواری استان همدان در ارتقای توانمندی اقتصادی و فنی دامداران (n= ۳۰۰)

متغیرها (شاخص‌ها)	عضویت در شرکت تعاونی	میانگین	مقدار t	سطح معنی‌داری
میزان تولید گوشت قرمز (کیلوگرم)	بلی	۳۰۵/۹۳۳	۰/۲۱۸**	۰/۰۰۰
	خیر	۱۹۳/۶۶		
میزان هزینه‌های تولید گوشت قرمز (تومان)	بلی	۷۵۳۲	۰/۰۴	۰/۵۳
	خیر	۷۵۹۳/۳۳		
میزان دانش فنی دامدار	بلی	۲۴/۲۰	۰/۲۱۲**	۰/۰۰۰
	خیر	۱۹/۵۴		

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری بین هزینه‌های تولید دو گروه وجود ندارد، اما میزان تولید گوشت و میزان دانش فنی دامداران عضو تعاونی بیشتر از دامداران غیرعضو تعاونی است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج مطالعه نشان داد که اکثر افراد عضو تعاونی‌ها افرادی جوان و با سطح تحصیلات بیشتر و ظرفیت دامداری بیشتر نسبت به افراد غیر عضو بودند؛ بنابراین، به نظر می‌رسد تعاونی‌ها برای افراد جوان‌تر جذاب‌ترند و افراد مسن بنا به دلایل مختلف، به عضویت در چنین تشکل‌هایی تمایل ندارند. هر دو گروه از دامداران عضو و غیرعضو تعاونی از نظر سابقه فعالیت شرایط مشابهی داشتند؛ لذا سابقه به عنوان یک متغیر مورد بررسی، روی عضویت یا عدم عضویت دامداران در شرکت‌های تعاونی نقشی نداشته، اما افزایش سطح تحصیلات و افزایش ظرفیت دامداری موجب افزایش عضویت در شرکت‌های تعاونی شده است.

تقریباً اکثر افراد از عضویت در تعاونی‌ها ناراضی بودند. در این باره، سایر محققان، مانند صابری و همکاران (۱۳۹۷) و طالبی و همکاران (۱۳۹۵)، به نتایج مشابه‌ای دست یافتند.

هرچند تقریباً بیشتر افراد از عضویت در تعاونی‌ها ناراضی بودند، اما مشارکت و عضویت آنها در تعاونی باعث افزایش تولید، افزایش دانش فنی و حتی به طور ضمنی باعث افزایش درآمد شده است؛ در نتیجه، این امکان را می‌توان متصور شد که با افزایش میزان تولید گوشت قرمز و افزایش دانش فنی دامداران، احتمال درآمدزایی آنها بالاتر خواهد رفت و توانمندی اقتصادی‌شان بهبود خواهد یافت. این یافته‌ها با نتایج مطالعات صدیقی و درویشی‌نیا (۱۳۸۱)، عمانی و چیدری (۱۳۸۲)، معتمد (۱۳۸۶)، خسروی‌پور و همکاران (۱۳۹۳)، طالبی و همکاران (۱۳۹۵)، طاهرخانی و حیدری ساربان (۱۳۸۳)، نصیری (۱۳۸۹)، فایربرن و همکاران (Fairbairn et al., 2003)، بنین (Benin, 2010)، هولپین (Holpin, 2010)، و یا- بیتیتی (Ya-Bititi, 2013) همسوست و مغایر با نتایج مطالعه بوزرجمهری و هادی‌زاده بزاز (۱۳۹۲) و صابری و همکاران (۱۳۹۷) و فال سلیمان و همکاران (۱۳۹۲) است. به نظر می‌رسد که نوع تعاونی و منطقه مورد بررسی نیز بر تفاوت یافته‌ها اثرگذار بوده باشد.

برخلاف نتایج مطالعه صدیقی و درویشی‌نیا (۱۳۸۱) مبنی بر کاهش هزینه‌های تعاونی‌ها و مطالعه طالبی و همکاران (۱۳۹۵) مبنی بر افزایش هزینه‌ها، در مطالعه حاضر مشخص شد عضویت

تأثیری در هزینه‌های تولید و به‌نوعی کاهش هزینه‌ها نگذاشته است، لذا تا دستیابی به شرایط ایده‌آل و کاهش قابل ملاحظه هزینه‌ها فاصله زیادی وجود دارد که باید مدنظر مسئولان قرار بگیرد، چراکه کاهش هزینه‌ها در اثر عضویت در تعاونی مشوق بزرگی در جهت جلب توجه دامداران به عضویت در تعاونی‌ها خواهد بود.

در مجموع، با توجه به نتایج مطالعه و به منظور موفقیت بیشتر تعاونی‌های پرورش‌دهندگان گوساله پرواری استان همدان، پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

- با توجه به نقش تعاونی‌ها در بهبود عملکرد و افزایش دانش فنی پرورش‌دهندگان گوساله پرواری باید زمینه جذب بیشتر دامداران به این شکل‌ها صورت پذیرد. برگزاری کلاس‌های آموزشی توسط مروجان در زمینه‌های مختلف پرورش گوساله پرواری می‌تواند در این راستا بسیار مؤثر باشد.

- با توجه به عدم تأثیر مستقیم تعاونی‌های پرورش‌دهندگان گوساله پرواری در کاهش هزینه‌ها لازم است شرکت‌های تعاونی در خصوص ایجاد ساختار جدید برای این شکل‌ها برنامه‌ریزی لازم را انجام دهند و در این باره، از آموزش‌های مدیریتی، امکانات موجود در منطقه و مشارکت بیشتر اعضای تعاونی در تصمیم‌گیری‌ها و استفاده از سرمایه اندک آنها بهره‌گیرند.

- لازم است علل نارضایتی دامداران عضو تعاونی‌ها شناسایی شوند و جهت رفع آنها اقدامات مقتضی صورت گیرد.

منابع

بوزرجمهری، خ. و هادی‌زاده بزاز، م. (۱۳۹۲). واکاوی و بررسی سازه‌های مؤثر در توسعه‌ی تعاونی‌های تولید روستایی استان خراسان رضوی از نظر کارشناسان. *جغرافیا و آمایش شهری- منطقه‌ای*، شماره ۸، ۸۵-۱۰۰.

ترابی، پ.، حیدری، ع. و محمدقلی‌نیا، ج. (۱۳۸۹). بررسی میزان تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در عملکرد شرکت‌های تعاونی دام و طیور در شهرستان مشهد. *نشریه تعاون*، ۲۱ (۲)، ۱-۲۰.

خسروی‌پور، ب.، برادران، م.، رواجی‌نژاد، م. و مهرباب قوچانی، ا. (۱۳۹۳). بررسی اهمیت و نقش شرکت‌های تعاونی در بخش کشاورزی. *ماهنامه کار و جامعه*، شماره ۱۷۵، ۲۴-۳۴.

رضوان‌فر، ا. (۱۳۸۰). جریان انتقال اطلاعات مربوط به فن‌آوری‌های دامپروری در استان آذربایجان شرقی. *مجله علوم کشاورزی ایران*، ۳۲ (۱)، ۱۷-۲۹.

سازمان جاد کشاورزی استان همدان (۱۳۸۸). *آمارنامه جهاد کشاورزی*، معاونت برنامه‌ریزی و اقتصادی دفتر آمار و فناوری اطلاعات.

صابری، س.، مهدی‌زاده، ح. و صی‌محمدی، س. (۱۳۹۷). آثار تعاونی‌های آب‌بران بر وضعیت اقتصادی - اجتماعی کشاورزان استان خراسان. *فصلنامه تعاون و کشاورزی*، ۷ (۲۷)، ۱۱۵-۱۴۲.

صدیقی، ح. و درویشی‌نیا، ع.ا. (۱۳۸۱). بررسی میزان موفقیت شرکت‌های تعاونی تولید روستایی استان مازندران. *مجله علوم کشاورزی ایران*، ۳۳ (۲)، ۳۱۳-۳۲۳.

صفوی‌مقدم، س.م. و بهروان، ح. (۱۳۹۱). نقش تعاونی روستایی زنان در توسعه کارآفرینی. *همایش ملی توسعه روستایی، رشت: دانشگاه گیلان*.

طالبی، ج.، محمدزاده، ش. و رضایی، ا. (۱۳۹۵). بررسی آثار اقتصادی شرکت‌های تعاونی تولید آزار ۱ و ۲ در منطقه آزاد ماکو. *فصلنامه تعاون و کشاورزی*، ۵ (۱۸)، ۸۵-۱۰۶.

طاهرخانی، م. و حیدری‌ساریان، و. (۱۳۸۳). نقش تعاونی‌های تولیدی در توسعه مناطق روستایی، مطالعه موردی: شهرستان مشکین شهر. *نشریه پژوهش‌های جغرافیایی*، ۳۶ (۴۹)، ۱۱۳-۱۲۴.

عمانی، ا. و چیدری، م. (۱۳۸۲). تأثیر عضویت در تعاونی‌های تولید روستایی بر سطح ویژگی‌های فنی، اقتصادی و اجتماعی گندمکاران استان خوزستان. *مجموعه مقالات اولین همایش*

- نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی در ایران: چالش‌ها و چاره‌ها تهران، دفتر مطالعات و طراحی نظام‌های بهره‌برداری.
- فال سلیمان، م.، میکائیکی، ج.، صادقی، ح. و دزگی، ع. (۱۳۹۲). بررسی نقش شرکت‌های تعاونی روستایی زنان در وضعیت اقتصادی و اجتماعی اعضا (مطالعه موردی شرکت‌های تعاونی خوسف و خراشاد در استان خراسان جنوبی). *برنامه‌ریزی فضایی*، ۳ (۴)، ۹۵-۱۱۶.
- کرمی، ع. و رضایی مقدم، ک. (۱۳۸۴). آثار تعاونی‌های تولید کشاورزی در فرایند تولید. *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، شماره ۵۲، ۱-۳۰.
- معمد، م. ک. (۱۳۸۶). مطالعه تأثیر تشکیل شرکت‌های تعاونی تولید روستایی در وضعیت اقتصادی اجتماعی کشاورزان گیلان. گزارش نهایی طرح پژوهشی. دانشگاه گیلان.
- نصیری، ا. (۱۳۸۹). آثار تشکیل تعاونی‌های تولید کشاورزی بر بهبود شاخص‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اعضا: مطالعه موردی روستاهای شهرستان زنجان. *فصلنامه روستا و توسعه*، ۱۳ (۳)، ۱۲۷-۱۴۵.
- Benin, R. (2010). *Assessing the impact of cooperation in rural development*. New York: Free Press.
- Fairbairn, B., June, B., & Muttay, F. (2003). *Cooperatives and community development: economics in social perspective*. Centre for study of cooperative, Sakatoon, Saskatchewan, pp 254-255.
- Holplin, F. (2010). *Cooperative management of rural development*. Cebu City: Vasdf.
- Kuntoro, B.A. (2006). Analysis on characteristics three dairy cooperatives sampled in east Java. *Journal of Applied Science*, 6 (4), 757-761.

- Ortmann, G.F. & King, R.P. (2007). *Agricultural cooperatives: history, Theory and Problems*. Retrieved from <http://www.informaworld.com>.
- Storey, D. (2007). *Issues of integration, participation and empowerment in rural development: the case of leader in the republic of Ireland geography department and center for rural research*. University of Cambridge, pp 3-6.
- White, S.C. (2006). Depoliticizing development in the uses and abuse of participation. *Development in Practice*, 2 (10), 67- 68.
- Ya- Bititi, G.M. (2013). Socio-economic impact of rural farming structure in Rwanda: case of Kopakamai coffee growing cooperative and coffee washing satation, Rutsiro district, western province. *Rwanda Journal*, 1 (1), 32-51.

Appraisal of Fattened Calf Breeders' Cooperative Role of Hamedan Province in Enhancing capability (Economic and Technical) of Cooperative Ranchers

S. Jihoni¹, F. GhorbaniPiralidehi², M.K. Motamed^{3*}

Received: 13 Sep, 2019

Accepted: 07 Jan, 2020

Abstract

Cooperatives in the different economic, social and service sectors act as intermediaries between the government and the people and on creating and improving the spaces mentioned of business are impressive. Hamadan province with plenty of possibilities, has good conditions for breeding meat in the country and role of cooperatives in the success of this industry in the province can be effective nationally. This research was aimed at appraisal of fattened calf breeders' cooperative role of Hamedan province in enhancing capability (economic and technical) of cooperative ranchers. This study in terms of overall approach is quantitative and in terms of data collection and analysis is descriptive and causal. The study population consisted of member and non-member of fattened calf breeders' cooperative in Hamadan province (n = 9424) that using Cochran formula and randomized stratified sampling method from both groups 150 individuals were examined. The tool for gathering data was a researcher-made questionnaire whose validity was confirmed by the opinion of 15 experts and its reliability was confirmed by Cronbach's alpha coefficient (0.80 value). The results showed that age, level of education and livestock capacity have significant relationship with membership in livestock cooperatives. Also in spite of their high membership background, most members are dissatisfied with their cooperative, while the results showed that membership in cooperatives has increased red meat production and member technical knowledge.

Keywords: Fattened Calf Breeders' Cooperative Companies, Improvement of Economic Conditions, Empowerment, Improvement of Technical Knowledge

1. M.Sc. of Rural Development, Faculty of Agricultural Sciences University of Guilan, Rasht, Iran

2. Assistant Professor, Department of Agricultural Extension and Education, Agricultural Sciences and Natural Resources University, Sari, Iran

3. Associate Professor, Department of Agricultural Economics, Faculty of Agricultural Sciences University of Guilan, Rasht, Iran

* Corresponding Author

motamed@guilan.ac.ir